

بررسی تطبیقی راهکارهای توانمندسازی در بافت‌های فرسوده شهری (مطالعه‌ی موردی: محله‌های باربند و فاز ۱ زمین شهری فیروزآباد)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۰۲/۲۰

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۹۳/۰۸/۰۲

علی شکور* (دانشیار جغرافیای انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، مرودشت)
علی شمس‌الدینی (استادیار جغرافیای انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت)
معصومه حافظ رضازاده (استادیار جغرافیای انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان)
سارا پاکزاد (کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان)

چکیده

در حال حاضر، سیستم پویای شهرها پیوسته در حال تغییر و تحول است و این امر سبب رو به رو شدن با مسأله‌ای به نام بافت‌های فرسوده می‌شود. این بافت‌ها یا هسته‌های قدیمی شهرها بوده که به مرور زمان دچار فرسودگی و عدم کارایی شده‌اند و یا در دوران معاصر بدون رعایت ضوابط مقررات معماری و شهرسازی شکل گرفته‌اند. از این‌رو اکنون با مسائل بسیاری رو به رو بوده و این مشکلات را به سایر نقاط شهر نیز انتقال می‌دهند. پژوهش حاضر به موضوع توانمندسازی سکونتگاه‌های واقع در بافت فرسوده شهر فیروزآباد می‌پردازد، محله‌های باربند و فاز یک زمین شهری به عنوان محلات فرسوده و نوساز مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. روش تحقیق بر اساس هدف، عملی و بر اساس ماهیت، توصیفی-تحلیلی، می‌باشد. روش جمع‌آوری اطلاعات از طریق منابع کتابخانه‌ای، استفاده از پرسش‌نامه، مصاحبه و برداشت‌های میدانی و روش تجزیه و تحلیل در این تحقیق، تحلیلی - تطبیقی بوده که پس از برداشت‌های میدانی در محلات و سپس محلات از ابعاد اجتماعی، اقتصادی و کالبدی با یک دیگر مقایسه شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد، با توجه به آزمون t گرفته شده در میان محلات مورد مطالعه، در زمینه خواسته‌ی ساکنین، بهبود شرایط زندگی و احساس مسؤولیت در قبال مشکلات، تفاوت معناداری وجود ندارد و هر دو محله تمایل به بهبود هرچه بهتر شرایط زندگی در محلات خود داشته و در این زمینه حاضر به مشارکت و همراهی می‌باشند. از طرفی تجزیه و تحلیل کالبدی نشان می‌دهد راهکار ارائه خدمات کارآمد شهرداری منجر به بهبود بافت فرسوده (محله باربند) شده، همچنین روحیه‌ی مشارکت در ساکنین در حد بالایی قرار داشته و ایجاد یک نهاد محلی می‌تواند به بهبود شرایط کمک کند.

واژه‌های کلیدی: توانمندسازی، بافت فرسوده، محله باربند، محله فازیک، زمین شهری، فیروزآباد

بیان مسأله:

شهر مخلوقی ابدی است که پایانی ندارد. یک نظام پویاست که در طول تاریخ رشد می‌کند، متحول می‌شود و کالبد آن تحت تأثیر مسائل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و عوامل طبیعی دچار تغییر می‌گردد. توجه به اصل تعادل در این ساختار پیچیده منجر به حفظ پایداری و رشد و توسعه در آن می‌باشد. در واقع شهری زیبا و سالم خواهد بود که ضمن توسعه و ایجاد فضاهای جدید، کالبد قدیمی و عناصر موجود در آن نیز مطابق با نیازهای جدید، احیا شده و مورد استفاده قرار بگیرند (ابراهیمی مجرد، ۱۳۸۸: ۲). بافت‌های قدیمی به طور کلی شامل آن دسته از بافت‌های درون شهری هستند که علی‌رغم فرسودگی در گستره بناها ممکن است دارای میراث شهری به صورت تک‌بنا یا فاقد میراث تاریخی باشند (مهندس مشاور شاران، ۱۳۸۴: ۷). این مراکز کهن شهری هنوز به عنوان یک انعکاس اقتصاد زنده و پویای بسیاری از شهرها محسوب می‌شوند (Burayidi, 2001: 291). فرسودگی یکی از مهم‌ترین مسائل مربوط به فضای شهری است که در ایران مورد توجه بسیاری از پژوهشگران قرار گرفته، تاکنون در ۷۶ شهر بزرگ کشور بیش از ۳۲ هزار هکتار بافت فرسوده بر اساس شاخص‌های شورای عالی معماری و شهرسازی ایران توسط سازمان عمران و بهسازی شهری وزارت مسکن و شهرسازی شناسایی شده است، در حالی که برآوردها نشان از حدود ۵۰ هزار هکتار بافت فرسوده در کشور دارد (شیری و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۹). استان فارس دارای ۳۹۰۰ هزار هکتار بافت فرسوده است که ۱۶۹۱ هزار هکتار آن در شیراز و مابقی در ۲۸ شهر دیگر استان واقع شده‌اند، شهرستان فیروزآباد ۴۲/۲ هکتار از آن را به خود اختصاص داده است. حال مراد از بافت، گستره‌ای هم پیوند است که با ریخت شناسی‌های متفاوت طی دوران حیات شهری در داخل محدوده شهر و یا حاشیه آن در تداوم و پیوند با شهر شکل گرفته باشد. این گستره می‌تواند از بناها، مجموعه‌ها، راه‌ها، فضاها، تأسیسات و تجهیزات شهری و یا ترکیبی از آن‌ها تشکیل شده باشد. منظور از فرسودگی، ناکارآمدی و کاهش کارایی یک بافت نسبت به کارآمدی سایر بافت‌های شهری است. اهم مشکلات این بافت‌ها شامل مشکلات کالبدی، از جمله عدم برخورداری از سیستم سازه‌ای مناسب و ناهنجاری‌های بصری و زیبایی شناسی است. عدم برخورداری از سیستم شبکه دسترسی و خدمات شهری، مسائل اقتصادی و آلودگی‌های زیست محیطی از دیگر مشکلات آن هستند (ابراهیمی مجرد، ۱۳۸۸: ۵).

تجربه نشان داده است که برنامه‌های تک بعدی و یک جانبه، ضمن آن که مشکلات را برطرف نموده، بلکه باعث روبرو شدن با سیستم حیات شهری محدوده بافت فرسوده و تاریخی

شده است. در این بین، نقش و اثرات توانمندسازی جامعه محلی می تواند در برنامه ریزی محدوده بافت فرسوده و تاریخی شهرها بسیار تعیین کننده باشد (صادقی، ۱۳۸۸: ۲). توانمندسازی رویکردی جدید در برنامه ریزی برای کاهش فقر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است و مجموعه اقداماتی را در بر می گیرد که منجر به شکوفایی قابلیت ها و خلاقیت های فردی برای ارتقاء و وضعیت موجود به وضعیت بهتر است. توانمندسازی در مفهوم عام خود سه جنبه ی کلی را در بر می گیرد، اول در چارچوب توانمندسازی بازار، دوم توانمندسازی سیاسی که از راه تمرکز اداری-اجرایی، اصلاح نهادی و مدیریتی، به کارگیری سازمان های غیردولتی^۱، سازمان های مبتنی بر جوامع محلی حاصل می شود سوم، توانمندسازی اجتماع محلی، که از سوی دولت های محلی و ملی برای هماهنگی و تسهیل کوشش های سازمان های اجتماع محلی برای برنامه ریزی و اجرای طرح های آن ها از راه های اصولی دنبال می شود. حاصل توانمندسازی، توسعه ی اجتماع محلی است که نوعی نگرش به توسعه از پایین است و از طریق سازمان های غیردولتی قابل تحقق است. زیربنای این امر، سازماندهی اجتماع محلی و نیازمند بسیج قابلیت های درونزای اجتماع است. در این مورد، بهره گیری از سرمایه ی اجتماعی مورد توجه قرار می گیرد. برای توانمندسازی در این معنا نیاز به مقتدرسازی^۲ است که به مفهوم گسترش آزادی در انتخاب و عمل است و افزایش امکانات و دارایی های فقرا جهت مشارکت در مذاکره، اعمال نظر، کنترل و حفظ پیوند با نهادهای مسؤولی است که در زندگی آن ها تأثیرگذار می باشد. برای توانمندسازی در این معنا، نیازمند بسترگشایی از جانب مدیریت و برنامه ریزی شهری است. تأمین خدمات، حرکت جهت تشکیل سرمایه انسانی، آگاه سازی، آموزش عمومی، ایفای نقش تسهیل کنندگی و حمایتی بخش دولتی و عمومی، مهم است (صادقی، ۱۳۸۸: ۵).

برگزیدن راهبردهای توانمندسازی اجتماع محلی، بخشی از مباحث وسیع پیرامون حاکمیت (حکمروایی) خوب شهری است. در این پژوهش تلاش بر این است تا به اهدافی همچون احساس امنیت روانی و آرامش خاطربه دلیل کاهش میزان خسارات جانی و مالی، توانمندسازی بافت فرسوده محله باربند از طریق بهسازی و مرمت کاربری های مسکونی و افزایش ارائه خدمات شهرداری به منظور بالا بردن کارای مدیریت شهری دست یافت با جمع آوری اطلاعات از طریق پرسش نامه و تجزیه و تحلیل آماری به اهداف فوق پاسخ داده شود تا گامی هرچند کوچک در

^۱ . NGOs

^۲ . empowerment

جهت بهسازی و توانمندسازی این شهرستان داشته و ارائه نتایج حاصله، مسؤولین و متولیان را جهت تدوین یک برنامه جامع یاری رساند. سؤال‌ها و فرضیه‌های زیر مطرح می‌شوند:

- آیا بررسی تطبیقی دو محله، فاز یک زمین شهری و محله باربند سبب بهسازی و توانمندسازی آن‌ها می‌شود؟
- با کدام رویکرد می‌توان بافت‌های فرسوده محله‌های مورد مطالعه را بهبود بخشید؟
- بررسی تطبیقی در فاز یک زمین شهری نشان می‌دهد که بهسازی و مرمت کاربری مسکونی در توانمندسازی محله‌ای مؤثر می‌باشد.
- راهکار ارائه‌ی خدمات کارآمد شهرداری منجر به بهبود محله باربند می‌شود.

پیشینه تحقیق:

با افزایش بی‌رویه جمعیت، به ویژه جمعیت شهر نشین در چند دهه‌ی اخیر در کشور ایران، مسأله فضا و توسعه پایدار فضایی از اهمیت قابل توجهی برخوردار گردیده است (مؤمنی، ۱۳۸۹: ۳۱). به همین دلیل پژوهشگران با رویکرد روش‌گرا به ارائه برنامه‌هایی به منظور توانمندسازی، بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده مبادرت ورزیدند. اساس تأکید این برنامه ریزان، ارائه ساختارها و نهادهای مورد نیاز در زمینه اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و غیره، برای توانمندسازی بافت‌های فرسوده در ایران می‌باشد. برخی از مطالعاتی که در این باره انجام شده‌اند در زیر آمده است:

در مقاله‌ی هریسون به بررسی نقش شهروندان در مشارکت در نوسازی بافت فرسوده شهری و همچنین ابعاد مشارکت شهروندان و عواملی که بر نگرش آن‌ها از مفهوم مشارکت اثر خواهد گذاشت پرداخته شده است. ارتباط متغییرهای روان‌شناختی- اجتماعی مانند انسجام اجتماعی، احساس اعتقاد شهروندان متغییرای پیشینه‌ای مانند سن، جنس، شغل، میزان تحصیلات و وضعیت تاهل شهروندان با نگرش شهروندان به مشارکت در نوسازی بافت‌های فرسوده شهری بررسی می‌شود، بر اساس تحقیقات انجام شده، نگرش شهروندان به مشارکت مبتنی بر کمک فکری و عرضه پیشنهاد بوده و تمایلی به مشارکت در حیطه عمل و اجرا نداشته همچنین میزان مشارکت با میزان شناخت از فعالیت‌های در خدمت شهروندان و پایگاه اقتصادی، اجتماعی شهروندان ارتباط دارد (هریسون، ۱۹۹۷: ۶۱). ویوله لودو معتقد است شهرها در روند توسعه‌ی خود موجب بی‌رونقی و رکورد بافت‌ها قدیمی می‌شوند برای حفظ هویت فرهنگی، بخش‌هایی که بعد از تاریخ اصلی ساخت بناهای بافت قدیم افزوده شده‌اند باید حذف شوند و اگر

قسمت‌هایی از بنا تخریب شده آن را بازسازی و تکمیل نمود ضمن این که کمیّت فضای کالبدی حاکم بر بنا حفظ شود (فلامکی، ۱۳۸۴: ۱۳). سادان در مقاله خود در سال ۲۰۰۶ توانمندسازی را به عنوان یک مفهوم، هنوز نیاز به کار در سطوح گسترده و نظریات بیش تر جهت تسهیل عملکرد در شهرها می‌داند (7: sadan, 2006). واسکنسلوس در مقاله‌ای در سال ۲۰۰۹ که در شرق پارای برزیل صورت پذیرفته، تلاش دارد ارتباط و همکاری بین سازمان‌های محلی و دولت بر توسعه و سامان دهی محلی و این که چه میزان مشارکت، می‌تواند استراتژی موثری بر توسعه محلی در مناطق تاریخی باشند این مقاله بر روی بحث مشارکت به عنوان یک مکانیزم قدرتمند و توانمندساز در شهرها می‌پردازد و ارتباط بین سازمان‌های محلی و دولت در را بررسی می‌کند و نوع همکاری آن‌ها چگونه بر روی سامان دهی بافت‌های تاریخی تاثیر گذار است بیان و در آخر به اریه راهکارهایی پرداخته است (Vasconcellos, 2009:13).

پورا احمد در مقاله خود تحت عنوان نقش اکولوژی اجتماعی در بافت قدیم شهر ری در سال ۱۳۷۹ می‌گوید بررسی پایگاه اقتصادی و توانمندسازی آن، در زندگی افراد ساکن بافت قدیم شهر ری و نابسامانی منطقه موثر است. و در صورت اقدام به این امر قابل توجه (توانمندسازی) می‌توان به ساماندهی مناسبی در قسمت‌های نابسامان بافت فرسوده شهر ری دست یافت و این امر جز با همکاری ساکنان این محله‌ها و دولت امکان پذیر نخواهد بود (پورا احمد، ۱۳۷۹: ۹۳). رهنما در مقاله خود تحت عنوان اصول مبانی و مدل سنجش فرم کالبد شهر در سال ۱۳۸۶ مشکلات طرح‌های احیای مراکز شهری را مشارکت ناپذیری ساکنین آن‌ها و ناچیز انگاشتن و جایگاه مالکان املاک چنین بافت‌هایی در فرایند احیا دانسته که باعث کندی و تاخیر در اجرای این طرح‌ها شده و در آخر به این نتیجه دست یافته است، با وجود مقاومت ساکنان این طرح در مشهد ادامه داشته و تا سال ۱۴۷۳ هجری شمسی به پایان می‌رسد (رهنما، ۱۳۸۶: ۱۵۸). بیات رستمی در مقاله خود تحت عنوان معابر و محلات شهری در برابر بزهکاری از طریق طراحی محیطی در سال ۱۳۸۹ به بررسی تطبیقی اجرای نگرش استفاده از اصول راهبردهای کنترل دسترس‌ها در محلات شهری و افزایش تعلق خاطر شهروندان در کشورهای ایالات متحده و بریناتیا پرداخته و نتیجه بیانگر آن است که اجرای این نگرش‌ها سبب کاهش بزهکاری در محله‌ها شده در آخر پیشنهاداتی برای راهکارهای توانمندسازی معابر و محلات در برابر بزهکاری مطرح شده است (بیات رستمی، ۱۳۸۹: ۱۶). سجادی و همکاران در مقاله‌ی خود تحت عنوان نوسازی بافت‌های فرسوده شهری با مشارکت مردمی (مطالعه موردی: محله دولاب تهران) در سال ۱۳۹۰ می‌گوید: با توجه به پرسش نامه‌هایی که در سطح محله‌ها جمع‌آوری

کرده که با توجه به مشارکت مردم و سازمان‌های مربوطه می‌توان به بازسازی و بهسازی در این محله دست یافت (سجادی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶).

مفاهیم و ادبیات نظری:

شهرها به مثابه‌ی موجودات زنده ای هستند که حیات می‌یابند، رشد می‌کنند و به بلوغ می‌رسند، اما در این فرآیند پیچیده‌ی رشد و توسعه گاه سرعت بخشی از شهر در دیگر بخش‌ها بیش تر و گاه بخشی به فراموشی سپرده می‌شود. گاه بخشی از شهر بازسازی می‌شود و گاه بخش‌هایی برای مدت زیادی دست نخورده باقی می‌مانند. در نتیجه، محدوده‌هایی در شهر به وجود می‌آیند که با ویژگی‌های زندگی شهری امروز مطابقت ندارند (محمدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۴). کوچه‌های تنگ و ساختمان‌های نایمن و قطعات تفکیکی نامنظم و در عین حال ریزدانه، شیوه شهرسازی سال‌های دوری هستند که امروزه ناکارآمد به نظر می‌رسند. این تنها بخشی از نارسایی‌ها در حیطه‌ی کالبدی است. عموماً این بافت‌ها با معضلات عدیده اجتماعی و اقتصادی دست به گریبان می‌شوند. این محدوده‌ها که امروز بافت فرسوده شهری خوانده می‌شوند، قسمت‌های قابل توجهی از شهرهای ما را در بر می‌گیرند که نیازمند توجهات خاص در ارتقاء و بهبود کیفیت زندگی هستند. هر چند کیفیات محیطی در این بافت‌ها به مرور رو به کاهش می‌نهد، اما عموماً در بافت‌های فرسوده‌ای که بخشی از بافت‌های تاریخی شهر نیز محسوب می‌شوند ریشه‌های حیات به طور کامل خشک نشده و فرصت احیای محیطی آنها به گونه‌ای که برای مردم دلچسب و نشاط آور باشند احساس می‌شود (صالحی، ۱۳۹۰: ۱۹). اندیشه ساماندهی و بازسازی در فرهنگ برنامه‌ریزی شهری از دیرباز وجود داشته است و اصولاً اصل ترمیم و مرمت در فرهنگ ایران به ویژه شهرسازی ایران از اهمیت بسزایی برخوردار بوده است. اما ساماندهی و باز زنده سازی بناها و بافت‌های قدیم شهری به صورت علمی و در مفهوم امروزی خود، از اواخر قرن هجدهم در اروپا مطرح شد. بدیهی است که این اندیشه‌های متنوع مبنای تئوریک تجربیات متفاوتی در زمینه باز زنده سازی، سامان دهی و توانمندسازی بافت‌های کهن شهری شدند (آشنویی، ۱۳۸۸: ۱۹).

توانمندسازی: توانمندسازی به مفهوم افزایش و استفاده از ظرفیت‌های درون جوامع شهری برای اداره امور عمومی و اجتماعی آنها است. توانمندسازی به این مفهوم ثبات و پایداری روند توسعه را در پی دارد. ثبات و پایداری روند توسعه، بهبود کیفیت زندگی را موجب می‌شود. به نظر می‌رسد توانمندسازی، خود نوع و یا سطحی از سامان دهی است. بستگی دارد که در یک

سلسله مراتب اقدام و فرآیند توسعه، کدام مقدمه و کدام نتیجه، کدام نتیجه و کدام زمینه، و کدام هدف و یا کدام مقدم بر دیگری قلمداد شود. از این رو توانمندسازی می تواند زمینه سامان دهی هم باشد. آنچه که تاکنون در این خصوص در حوزه توسعه و عمران شهری کشور، تجربه شده است نشانگر این واقعیت است که توانمندسازی ایجاد ظرفیت برای مشارکت عمومی در اجرای پروژه های ساماندهی بوده است. در هر حال این دو واژه پیوند مفهومی، اجرایی و کارکردی زیادی با هم دارند (کمانرودی، ۱۳۸۵: ۲۵).

سیاست توانمندسازی در ایران:

سیاست توانمندسازی در رویکرد خود به منظور سامان دهی سکونتگاه های غیررسمی به سه راهبرد تأکید می کند. این سه راهبرد بر عناوین توانمندسازی، نهادسازی و ظرفیت سازی استوار است و بر رویکرد مشارکتی تأکید می ورزد. این سیاست، سیاست اخیر دولت در سامان دهی اسکان غیررسمی در شهرها محسوب می شود (اطهاری و همکاران، ۱۳۸۲: ۷۱). در ایران با هدف سیاست گذاری کلان در امر سامان دهی و بهسازی سکونتگاه های غیررسمی، به پیشنهاد وزارت مسکن و شهرسازی و وزارت کشور، سندی تحت عنوان «سند ملی توانمندسازی و سامان دهی سکونتگاه های غیر رسمی» به هیأت دولت تقدیم شد. سند مذکور در تاریخ ۱۳۸۲/۱۱/۱۹ به تصویب رسید. این سند نشان دهنده ی اصول و راهبردهای اساسی مداخله دولت، هدایت کننده در توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاه های غیررسمی است. به دنبال تصویب سند، در اجرای بند ۲ مصوبه آن، ستادی با عنوان «ستاد ملی توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاه های غیر رسمی» در سال ۱۳۸۳ شکل گرفت. با توجه به اهمیت پدیده اسکان غیر رسمی که جلوه ای از فقر و بازتابی از نارسایی سیاست های دولتی و بازار رسمی محسوب می شود و خود به نوعی باز تولید فقر و گسترش آن است، چاره جویی و سیاست گذاری در این خصوص، فعالیت های دراز مدت و تحولات ساختاری تلقی شد که به دنبال احساس ضرورت در این عرصه، دولت سند مذکور را تهیه کرد (ستاد ملی توانمندسازی و سامان دهی اسکان غیررسمی، ۱۳۸۴: ۱). سند یاد شده به بازنگری سیاست های موجود، وظایف بخش دولتی در تسهیل سامان دهی، هدایت منابع موجود در درون اجتماعات و تقویت نهادهای مدیریت محلی در سامان دهی اسکان غیررسمی تأکید می کند.

نکته با اهمیت در تهیه این سند آن است که سرانجام در سال ۱۳۸۳، تصمیم گیران و سیاست گذاران دولتی پس از بررسی های نظری و تجارب علمی در زمینه اسکان غیررسمی به

این نتیجه رسیدند که نبود بسته های منسجم سیاسی؛ یعنی مجموعه ای از عوامل چند جانبه و متغیرهای گوناگون تأثیرگذار بر اسکان غیررسمی، می تواند یکی از مهم ترین دلایل ایجاد، بقا و توسعه ی پدیده باشد (ستاد توانمندسازی سکونتگاه های غیررسمی، ۱۳۸۲). از این رهگذر ستاد توانمندسازی و سامان دهی سکونتگاه های غیر رسمی با استناد به بند ۳ تصویب نامه شماره ۴۴۸۳۳/ت مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۲۶ هیأت وزیران در جلسه ۱۳۸۴/۱۱/۱۴، بنا به پیشنهاد مورخ ۱۳۸۴/۱۱/۲ دبیرخانه ستاد ملی، آیین نامه نحوه فعالیت ستاد استانی توانمندسازی و سامان دهی سکونتگاه های غیررسمی را تصویب کرد و اجرای سند توانمندسازی در کشور پس از این مرحله در اختیار استان ها قرار گرفت. با مطالعه ی دقیق آیین نامه های مذکور مشخص شد که آیین نامه های ستاد ملی و استانی توانمندسازی و ساماندهی اسکان غیررسمی که امروزه سرلوحه اجرای سیاست توانمندسازی قرار دارند، از ضعف های اساسی در مقوله پیوند با مدیریت شهری رنج می برند که حاصل این ضعف ها به دور ماندن مدیریت شهری از چرخه ی سیاست گذاری و تصمیم سازی، بر خلاف جایگاه و شأن واقعی این نهاد مردم محور است. این ضعف ها عبارتند از: عدم توجه به نقش مدیریت شهری، به ویژه شهرداری ها در سیاست گذاری، نظارت و اجرا، هم در ستاد ملی و نیز ستاد استانی، دخالت ستاد ملی و ستاد استانی در برخی از وظایف و شرح خدماتی که مدیریت شهری بخوبی و بهتر از نهادهای کلان نگر از عهده انجام آن بر می آیند، از قبیل ارتباط با NGOها و CBO^۱ ها و مشارکت محلی و محله ای، تفویض اختیارات صرفاً اجرایی به ستاد استانی توانمندسازی اسکان غیررسمی و عدم تفویض اختیارات سیاست گذاری منطقه ای و تدوین طرح و برنامه به ستاد مذکور که روح تمرکز را در برنامه ریزی های ستاد ملی به اثبات می رساند؛ عدم نظرخواهی جدی از مدیریت شهری در ارتباط با استخدام مشاور طرح که برخی اوقات منجر به انتخاب مشاورینی غیربومی و غیرآشنا با شرایط بومی منطقه می شود. این مقوله از آثار بارز تمرکزگرایی در اجرا به شمار می رود (اسکندری نوده، ۱۳۸۸، ۱۰۹).

در برنامه ی سوم توسعه بر مدیریت یکپارچه شهری تأکید فراوان شده است و در این راستا، به شورای عالی استان ها به عنوان نهادی مردمی و محلی فرصت داده شده است که امکان تصدی های قابل واگذاری به شهرداری ها را استخراج و برای تصویب به دولت و مجلس تقدیم کند که در این آیین نامه ها به این اصل بی توجهی شده و تاکنون نیز ترتیب اثر داده نشده است (قانون برنامه سوم توسعه کشور، ۱۳۸۳).

^۱ . Community-Based Organization

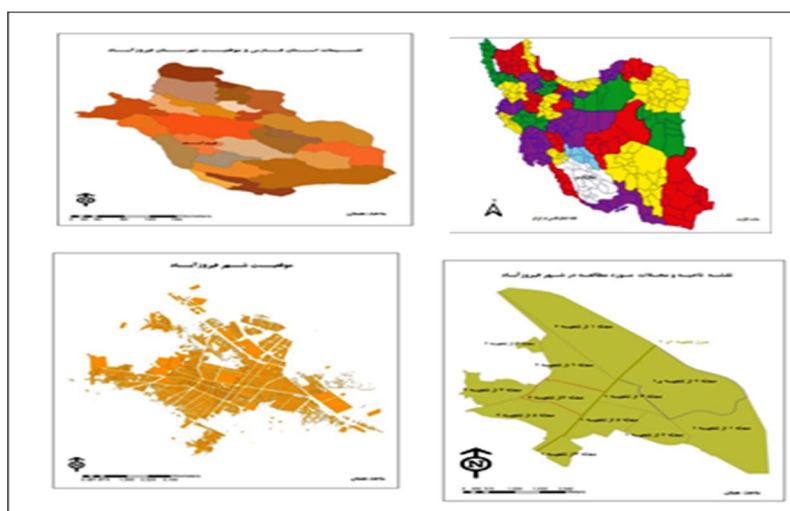
روش تحقیق:

روش تحقیق در این پژوهش بر اساس هدف، عملی و بر اساس ماهیت، توصیفی- تحلیلی و تطبیقی می باشد، چرا که محقق قصد دارد با گردآوری اطلاعات واقعی به ابعاد محدود کننده و تسهیل کننده راهکارهای توانمندسازی بپردازد. در بخش شناخت کالبدی محله از روش رایج برداشت میدانی و به روز رسانی نقشه، در بخش شناخت اجتماعی از طریق مصاحبه با اهالی با سابقه، مشاهده، استفاده از پرسش نامه و استفاده از منابع مکتوب و اطلاعات مرکز آمار ایران، در بخش نظری این تحقیق از روش اسنادی، به استدلال و نتیجه گیری پرداخته شده به این ترتیب روش مقایسه ای یا تطبیقی در دل مطالعات اسنادی و کتابخانه ای صورت پذیرفته است و در بخش عملی نیز روش تحقیق مطالعه موردی بوده که در آن هم از داده های کمی و هم از داده های کیفی استفاده شده است. داده های کمی با استفاده از ابزار پرسش نامه ای، داده های کیفی با استفاده از ابزار مصاحبه و مشاهده به دست آمده است. در این مرحله از تحقیق، پس از جمع آوری آمار و اطلاعات کتابخانه ای و پرسش نامه ای، تجزیه و تحلیل به صورت توصیفی- تحلیلی و تطبیقی با تکیه بر استفاده از شیوه های تجزیه و تحلیل کمی انجام می گیرد و جهت سهولت و دقت در انجام کار از نرم افزار Arc Gis و نرم افزار آماری spss و آزمون t برای بیان تفاوت های معنادار در محلات مورد مطالعه استفاده شده است.

شناخت منطقه مورد مطالعه:

استان فارس با وسعت ۱۲۴۲۱۸ کیلومتر مربع حدود ۸/۱ درصد مساحت کل کشور را در بر گرفته است. شهرستان فیروزآباد یکی از شهرستان های استان فارس بوده که با مساحت ۱۱۹۱۷ کیلومتر مربع در غرب استان واقع شده و مرکز آن شهر فیروزآباد است. این شهرستان در تقسیمات کشوری دارای ۴ بخش، ۱۴ دهستان و ۳۸۲ آبادی دارای سکنه می باشد، شهر فیروزآباد در محدوده ی جنوب غربی استان فارس در عرض جغرافیایی ۲۸ درجه و ۵۰ دقیقه شمالی و طول ۵۲ درجه و ۳۴ دقیقه شرقی و در ارتفاع ۱۳۲۵ متری از سطح آب های آزاد واقع شده است (نقشه شماره ۱). وجود این ارتفاعات باعث گردیده که این منطقه از آب و هوای نسبتاً معتدل برخوردار باشد و مطابق آمارهای سال ۱۳۹۰ جمعیت شهر فیروزآباد ۶۴۹۶۹ نفر می باشد، در آخرین طرح تفصیلی که به تصویب رسیده، شهر فیروزآباد از نظر تقسیمات کالبدی به ۲ ناحیه و ۱۲ محله تقسیم شده است و سازمان های اجرایی باید در این چارچوب نسبت به توزیع و ارائه خدمات اقدام نمایند که محلات مورد مطالعه با نام محله باربند واقع در محله ۶ از

ناحیه ۲ که در قسمت مرکزی شهر فیروزآباد می باشد. این محله در قسمت شمالی خیابان مجاهدین، جنوبی خیابان نظامی، شرق خیابان یادآوران، غرب خیابان باربند می باشد این محله در برگیرنده قدیمی ترین قسمت از بافت شهری بوده، آمیختگی و تراکم حاکم بر آن ویژگی خاصی به این محله بخشیده است و محله فزایک زمین شهری واقع در محله ۲ از ناحیه ۱ که در قسمت شمال شرقی شهر فیروزآباد می باشد، شمال آن خیابان شهدای فجر، جنوب بلوار امام رضا، شرق بلوار فرهنگیان و غرب خیابان امام رضا واقع شده است.



نقشه ۱ - موقعیت منطقه مورد مطالعه در ایران و استان

یافته های تحقیق:

ویژگی های توصیفی طرح شده در پرسش نامه شامل: بررسی خدمات موجود (امکانات: آموزشی، بهداشتی، درمانی، زیرساخت معابر و میزان دسترسی)، بررسی و شناخت ویژگی های توانمندسازی محلات (رفع مشکلات از دید ساکنین، خواسته های اعضای محله، بهترین راه حل بهبود محلات، حس مسؤولیت نسبت به بهبود محلات، همکاری مردم و مسؤولین) می باشد که به طور جداگانه به تشریح و توصیف فراوانی های مربوط به هر یک پرداخته شده است. داده های جدول شماره ۱، درصد پاسخ گویان بر حسب کمبودهای محله را نشان می دهد، در محله های فرسوده، ۱۰ درصد ابراز داشته اند که در محله مراکز آموزشی و فرهنگی وجود ندارد. ۷ درصد در محله کمبود مراکز بهداشتی و درمانی را عنوان کرده اند. ۳۱ درصد در محله کمبود مراکز

تفریحی و ورزشی، ۱۰ درصد در محله کمبود بازارچه و ۳۶ درصد در محله کمبود همه موارد ذکر شده را عنوان کرده اند. همچنین در محله های نوساز، ۵/۹ درصد ابراز داشته اند که در محله مراکز آموزشی و فرهنگی وجود ندارد. ۵/۲۹ درصد در محله کمبود مراکز بهداشتی و درمانی را عنوان کرده اند. ۱۰ درصد در محله کمبود مراکز تفریحی و ورزشی، ۵/۱۰ درصد در محله کمبود بازارچه و ۴۰ درصد در محله کمبود همه موارد ذکر شده را عنوان کرده اند.

جدول ۱- کمبود امکانات و تسهیلات در محلات از دید ساکنین محل

طبقات	محله فرسوده	محله نوساز (فاز
	(محله باربند)	یک زمین شهری)
	درصد	درصد
مراکز آموزشی و فرهنگی	۱۰	۹/۵
مراکز بهداشتی و درمانی	۷	۲۹/۵
مراکز تفریحی و ورزشی	۳۱	۱۰
بازارچه	۱۰	۱۰/۵
همه موارد	۳۶	۴۰
بی جواب	۶	۰/۵
جمع	%۱۰۰	%۱۰۰

منبع: یافته های میدانی، ۱۳۹۲

مطابق یافته های جدول شماره ۲ در رابطه با شبکه ارتباطی نیز می توان ویژگی های زیر را برای محلات برشمرد:

- با وجود بالا بودن درصد پوشش معابر آسفالتی متاسفانه این پوشش از کیفیت نامطلوبی برخوردار است و این مسأله در بافت فرسوده پررنگتر می باشد.
- نزدیک به ۱۱ درصد و ۲۸ درصد از معابر به ترتیب در محله باربند و فاز یک زمین شهری خاکی بوده که در فصل بارندگی مشکلاتی را برای ساکنین به ویژه محله باربند ایجاد می کند.
- بین شبکه های موجود در محله ی باربند هیچ گونه نظم و سلسله مراتبی وجود نداشته و ترافیک کانالیزه نشده است.
- نفوذپذیری در محله باربند به لحاظ شبکه های کم عرض و ارگانیک و نیمه ارگانیک کم است.
- ساختار پیاده در محله باربند تعریف نشده است.

- به دلیل عدم وجود پوشش سطح معابر، پس آب‌ها و روان‌آب‌ها در سطح محلات جاری شده و چهره زشتی در سطح محله‌ها ایجاد می‌نماید. این مورد در محله باربند به علت فرسوده بودن و نوع شیب محله بیش تر ملموس است.
- جهت جمع‌آوری آب‌های سطحی در این محلات (محله باربند) کوچه‌ها از ابنیه فنی همچون کانال و کانپو برخوردار نمی‌باشد. محله فاز یک زمین شهری با داشتن خندقی که در محله تعبیه شده از شرایط بهتری در این زمینه برخوردار است.

جدول ۲- درصد رضایت پاسخگویان بر حسب وضعیت معابر

طبقات	محله فرسوده(باربند)	محله نوساز(فاز یک زمین شهری)
	درصد	درصد
آسفالت	۶۸	۴۱/۵
خاکی	۱۱	۲۸
سنگ فرش	۱۲	۶/۵
زیر سازی	۳	۱۱
سایر	۵	۱۲/۵
بی جواب	۱	۰/۵

منبع: یافته‌های میدانی، ۱۳۹۲

در جهت بهبود محیط سکونت در بافت فرسوده با تأکید بر محلات مورد مطالعه، توسط محقق مصاحبه‌هایی با ساکنین محلات صورت گرفته شده که در این مصاحبه‌ها نظرات ساکنین درباره نحوه مشارکت در توانمندسازی این محلات و همچنین معضلات و مشکلات این محلات آورده شده است. نتایج نشان داده که اکثر ساکنین در بافت فرسوده تمایل به رفع مشکلات کالبدی و اکثر ساکنین در بافت نوساز تمایل به رفع مشکلات فرهنگی اجتماعی و سایر موارد دارند. از طرفی این تحقیقات نشان می‌دهد که اعتماد به مسؤولین شهر در محلات به ویژه در بافت فرسوده در حد متوسط و رو به پایینی قرار دارد و دیدگاه مشارکتی هنوز آنچنان در بین جوامع محلی شکل نگرفته و ساکنین محلات شهرداری را مسؤول بهبود محلات خود می‌دانند و در زمینه میزان تمایل ساکنین درباره وضعیت سکونت در محلات می‌توان به این مسأله اشاره

کرد تمایل به سکونت در صورت بهبود شرایط بیش تر از سایر مورد ذکر شده است. (جدول شماره ۳ و ۴).

جدول ۳- درصد پاسخ گویان بر حسب: عوامل بهبود محلات مورد مطالعه

طبقات	محلّه فرسوده (باربند)	محلّه نوساز (فاز یک زمین شهری)
	درصد	درصد
رفع مسائل و مشکلات کالبدی	۳۴	۲۲
رفع مشکلات اجتماعی و فرهنگی	۳۲	۲۹
رفع مسائل اقتصادی	۱۶	۱۸
سایر موارد	۱۸	۳۱
جمع	%۱۰۰	%۱۰۰

منبع: یافته های میدانی، ۱۳۹۲

جدول ۴- درصد پاسخ گویان بر حسب: درخواست های اعضای محلّه

طبقات	محلّه فرسوده (باربند)	محلّه نوساز (فاز یک زمین شهری)
	درصد	درصد
تمایل به خروج از محلّه	۱۱	۱۰
تمایل به سکونت در محلّه دروضع موجود	۱۲	۳۲
تمایل به دریافت زمین معوض	۲۴	۸
تمایل به سکونت در صورت بهبود شرایط	۵۲	۴۹
بی جواب	۱	۱
جمع	%۱۰۰	%۱۰۰

منبع: یافته های میدانی، ۱۳۹۲

مطابق یافته‌های جدول (۵ و ۶) به نظر محقق یکی از راهکارهای مناسب در توانمندسازی محلات، مشارکت پذیر بودن ساکنین در یک منطقه می‌باشد. که این امر نیاز به بستر سازی و فراهم نمودن زمینه‌های لازم را دارد. که می‌توان از طریق کار فرهنگی بستر مناسبی را جهت مشارکت پذیری مردم فراهم نمود تا در این رهگذر اطمینان مردم افزایش یابد. به همین منظور یکی از سؤالات مطرح شده در پرسش نامه به میزان تمایل افراد به مشارکت در بهبود شرایط

محلّه برمی‌گردد، تا تخمین زده شود چند درصد از ساکنین تمایل به مشارکت دارند و چند درصد راه‌های دیگر را می‌پذیرند و از طرفی میزان مسؤولیت پذیری ساکنین نسبت به محلّه‌شان بررسی شده است، تا نشان داده شود که چند درصد از ساکنین حاضر هستند بصورت مجانی برای ارتقاء سطح کیفی محیط زندگیشان همکاری داشته باشند.

جدول ۵- درصد پاسخ گویان بر حسب: بهترین راه حل بهبود وضعیت محلات مورد مطالعه

محلّه نوساز (فاز یک زمین شهری)	محلّه فرسوده (باربند)	طبقات
۳۸	۳۲	ایجاد یک شورای محلی برای توانمندسازی مشارکت در تصمیمات این شورا
۲۵	۱۴	واگذاری و فروش قطعی املاک به سازمان و دستگاه‌های اجرایی
۱۰/۵	۳۸	پرداخت وام بانکی به مالکین
۲۳/۵	۱۳	تخفیف در عوارض و فروش تراکم
۲	۳	سایر
۱	۰	بی جواب

منبع: یافته‌های میدانی، ۱۳۹۲

جدول ۶- درصد پاسخ گویان بر حسب احساس مسؤولیت نسبت به حل مشکلات محلّه

محلّه نوساز(فاز یک زمین شهری)	محلّه فرسوده (باربند)	طبقات
۳۳	۱۶	۰ روز
۲۳	۳۰	۱ تا ۲ روز
۱۰	۲۰	۳ تا ۵ روز
۱۲	۱۳	۶ تا ۷ روز
۲۱/۵	۲۱	بالاتر از ۷ روز
۰/۵	۰	بی جواب
٪۱۰۰	٪۱۰۰	جمع

منبع: یافته‌های میدانی، ۱۳۹۲

میزان تمایل به مشارکت با سازمان‌ها و نهادهای اجرایی در سطح محلات زیاد بوده و این می‌تواند زمینه برای به‌وجود آوردن تعاملی سازنده میان ساکنین این محلات با سازمان‌ها و

ارگان‌های دولتی باشد در جدول شماره میزان تمایل ساکنین محلات به مشارکت با سازمان‌ها و نهادهای دولتی نشان داده شده است. (جدول شماره ۷).

جدول ۷- درصد پاسخگویان بر حسب پیوند مردم و مسؤولین در پیدا کردن راه حل‌های قابل قبول

جهت حل مشکلات

محلّه فرسوده (باربند)	محلّه نوساز(فاز یک زمین شهری)	طبقات
درصد	درصد	
۴۲	۳۵	کاملاً موافقم
۴۰	۲۰	موافقم
۹	۱۱	تا حدودی موافقم
۵	۹/۵	مخالفم
۱	۲۰/۵	کاملاً مخالفم
۳	۴	بی جواب
٪۱۰۰	٪۱۰۰	جمع

منبع: یافته‌های میدانی، ۱۳۹۲

آزمون فرضیه:

نتایج حاصل از تفاوت‌های معنادار در محلات مورد مطالعه با استفاده از آزمون T:

آن دسته از سؤالات پرسش‌نامه که در آن تفاوت معنا دار مشاهده شده است به شرح زیر می‌باشد:

- وضعیت معابر، در بافت نوساز از وضعیت بهتری برخوردار است.
- بهبود محلات، در بافت فرسوده مردم علاقه مندی بیش تری برای بهبود محلّه نسب به بافت نوساز نشان داده‌اند.
- حل مشکلات توسط مسؤولین با کمک مردم، که در بافت فرسوده بیش تر مورد توجه قرار گرفته است.

بر اساس داده‌های جدول ۸- نتایج آزمون نشان دهنده تفاوت میانگین وضعیت معابر بر حسب بافت فرسوده و نوساز می‌باشد. میزان میانگین‌ها حاکی است که میانگین وضعیت معابر در بافت نوساز (۲/۲۴) بیش تر از مقدار آن در بافت فرسوده (۱/۶۴) شده است. تفاوت مشاهده

شده بر اساس آزمون t با مقدار $۳/۹۶۲-$ و سطح معناداری $\text{Sig} = ۰/۰۰۰$ بیانگر این است که تفاوت معناداری بین بافت فرسوده و بافت نوساز از نظر وضعیت معابر وجود دارد.

جدول ۸- آزمون تفاوت میانگین وضعیت معابر بر حسب بافت فرسوده و نوساز

سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار t	انحراف معیار	میانگین	طبقات
* ۰/۰۰۰	۲۳۹/۱۷۷	-۳/۹۶۲	۱/۱۲۷	۱/۶۴	فرسوده (باربند)
			۱/۴۱۵	۲/۲۴	نوساز (فاز یک زمین شهری)

منبع: یافته های تحلیلی، ۱۳۹۲

بر اساس داده های جدول شماره ۹ نتایج آزمون نشان دهنده تفاوت میانگین پیشنهاد در رابطه با بهبود محله بر حسب بافت فرسوده و نوساز می باشد. میزان میانگین ها حاکی است که میانگین پیشنهاد در رابطه با بهبود محله در بافت نوساز (۲/۵۸) بیش تر از مقدار آن در بافت فرسوده (۲/۱۸) شده است. تفاوت مشاهده شده بر اساس آزمون t با مقدار $۲/۹۳۷-$ و سطح معناداری $\text{Sig} = ۰/۰۰۴$ بیانگر این است که تفاوت معناداری بین بافت فرسوده و بافت نوساز از نظر پیشنهاد در رابطه با بهبود محله وجود دارد.

جدول ۹- آزمون تفاوت میانگین پیشنهاد در رابطه با بهبود محله بر حسب بافت فرسوده و نوساز

سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار t	انحراف معیار	میانگین	طبقات
* ۰/۰۰۴	۲۰۶/۰۷۴	-۲/۹۳۷	۱/۰۹۵	۲/۱۸	فرسوده (باربند)
			۱/۱۴۴	۲/۵۸	نوساز (فاز یک زمین شهری)

منبع: یافته های تحلیلی، ۱۳۹۲

نتایج آزمون نشان دهنده تفاوت میانگین خواسته اعضای محله بر حسب بافت فرسوده و نوساز می باشد. تفاوت مشاهده شده بر اساس آزمون t با مقدار $۱/۶۲۷$ و سطح معناداری $\text{Sig} = ۰/۱۰۵$ بیانگر این است که تفاوت معناداری بین بافت فرسوده و بافت نوساز از نظر خواسته اعضای محله وجود ندارد (جدول شماره ۱۰).

جدول ۱۰- آزمون تفاوت میانگین خواسته اعضای محله بر حسب بافت فرسوده و نوساز

طبقات	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری
فرسوده (باربند)	۳/۱۸	۱/۰۳۳	۱/۶۲۷	۲۰۸/۶۵۶	۰/۱۰۵
نوساز (فاز یک زمین شهری)	۲/۹۶	۱/۱۰۷			

منبع: یافته‌های تحلیلی، ۱۳۹۲

نتایج آزمون نشان دهنده تفاوت میانگین بهترین راه حل بهبود وضعیت محله بر حسب بافت فرسوده و نوساز می‌باشد. تفاوت مشاهده شده بر اساس آزمون t با مقدار ۱/۰۴۶ و سطح معناداری $\text{Sig} = ۰/۲۹۷$ بیانگر این است که تفاوت معناداری بین بافت فرسوده و بافت نوساز از نظر بهترین راه حل بهبود وضعیت محله وجود ندارد، که در جدول شماره ۱۱ نشان داده شده است.

جدول ۱۱- آزمون تفاوت میانگین بهترین راه حل بهبود وضعیت محله بر حسب بافت فرسوده و نوساز

طبقات	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری
فرسوده (باربند)	۲/۴۱	۱/۱۵۵	۱/۰۴۶	۲۱۳/۱۹۵	۰/۲۹۷
نوساز (فاز یک زمین شهری)	۲/۲۵	۱/۲۵۰			

منبع: یافته‌های تحلیلی، ۱۳۹۲

نتایج آزمون نشان دهنده تفاوت میانگین تلاش مسؤولین و مردم برای حل مشکلات محله بر حسب بافت فرسوده و نوساز می‌باشد. میزان میانگین‌ها حاکی است که میانگین تلاش مسؤولین و مردم برای حل مشکلات محله در بافت نوساز (۲/۵۸) بیش تر از مقدار آن در بافت فرسوده (۱/۷۹) شده است. تفاوت مشاهده شده بر اساس آزمون t با مقدار ۵/۴۸۷- و سطح معناداری $\text{Sig} = ۰/۰۰۰$ بیانگر این است که تفاوت معناداری بین بافت فرسوده و بافت نوساز از نظر تلاش مسؤولین و مردم برای حل مشکلات محله وجود دارد (جدول شماره ۱۲).

جدول ۱۲- آزمون تفاوت میانگین تلاش مسؤولین و مردم برای حل مشکلات محله بر حسب بافت فرسوده و نوساز

سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار t	انحراف معیار	میانگین	طبقات
* ۰/۰۰۰	۲۸۳/۳۰۰	-۵/۴۸۷	۰/۸۸۹	۱/۷۹	فرسوده (باربند)
			۱/۵۶۹	۲/۵۸	نوساز (فاز یک زمین شهری)

منبع: یافته های تحلیلی، ۱۳۹۲

نتیجه گیری و ارائه راهکارها:

بافت های فرسوده همچون هسته ای در داخل بطن شهر قرار گرفته اند که معمولاً دستخوش تغییرات اجتماعی قرار می گیرند و به تبع آن نیازمند تغییرات زیادی در فضای کالبدی می باشند. ناکارآمدی بافت های فرسوده در تطابق با نیازهای نوین مسأله ایست که بیش ترین فشار را به این بافت ها وارد می کند، این ناتوانی باعث می شود که عملکردهای متناسب نیز نتوانند در داخل بافت جای گزین شوند، لذا علی رغم توان بالقوه برای تأمین کاربری ها متفاوت و استقرار آن ها در موقعیت های کلیدی در مرکز شهر متروک و بی استفاده می گردند، حال با توجه به تحلیل های انجام گرفته در زمینه توانمندسازی محلات مورد تحقیق می توان به نتایج زیر می توان اشاره کرد:

- راه حل های کالبدی به خودی خود، مشکلات و مسائل اجتماعی و اقتصادی را برطرف نکرده و رونق اقتصادی، ثبات اجتماعی و سلامتی محیطی بدون یک چارچوب منسجم کالبدی میسر نمی شود.
- اکثر ساکنین این محلات به مکان زندگی خود افتخار کرده و تمایل به زندگی در آن را دارند، علاوه بر آن اکثر ساکنین علاقه زیادی به همکاری و مشارکت در توانمندسازی و بهسازی بافت فرسوده نشان می دهند، به همین دلیل باید ابزارهای لازم و زیر ساخت های مورد نیاز برای مشارکت همه جانبه مردم (دیدگاه مشارکتی) در رفع مسائل و مشکلاتشان فراهم آید تا بتوان به بهبود شرایط اجتماعی و کالبدی آن ها پرداخت.
- در تحقیقات انجام شده هیچ کدام از محلات دارای فاضلاب شهری نبوده و نیز سطوح معابر شهری در بافت فرسوده دارای کیفیت پایین می باشند. همچنین مفاهیمی از قبیل مسائل اجتماعی، اقتصادی (روحیه همکاری و مشارکت، تعلق خاطر ساکنین، نوع درآمد، تمایل آن

ها به سکونت، سطح سواد و...) از لحاظ کالبدی، (نوع خدمات شهری که در اختیار ساکنین بوده، عمر مسکن و یا مصالح به کار رفته در محله، فضاهای آموزشی، تفریحی و بهداشتی درمانی و...) مورد توجه قرار گرفت تا از این طریق بتوان به اهداف مورد نظر در رابطه با بهبود وضعیت ساکنین دست یافت

- نحوه دسترسی به خدمات شهری در محله‌ی باربند نسبت به فاز یک زمین شهری در وضعیت مناسب تری به دلیل قرار داشتن محله باربند در مرکز شهر و دسترسی بیش تر شهروندان به خدمات و امکانات شهری قرار دارد.
- با توجه به آزمون t گرفته شده در بین دو محله می توان ملاحظه کرد، در زمینه خواسته اعضای محله، بهبود شرایط زندگی و احساس مسؤولیت در قبال مشکلات محله، تفاوت معنا داری در این زمینه وجود ندارد و هر دو محله تمایل به بهبود هرچه بهتر شرایط زندگی در محلات بوده و در این زمینه حاضر به مشارکت و همراهی می باشند. با توجه به بررسی وضعیت دسترسی به خدمات محله ای و بر مبنای کمبودها و نیازهای هر یک از محلات پروژه هایی جهت تأمین نیازهای اولویت دار به منظور حل مسائل ضروری پیشنهاد شده است که در زیر ارائه می شود:

راهبردهای بر اساس اولویت:

محله باربند: کاربری ها و خدمات (طبق سرانه استاندارد محلی): مهدکودک، دبستان، دبیرستان، امکان ورزشی، فضای سبز، پارک محله کتابخانه عمومی، نهاد اجتماعی محلی در این محله بر اساس بررسی های میدانی و مصاحبه های صورت پذیرفته توسط محقق موارد زیر در مراحل بعدی ساماندهی محله باربند قرار دارد:

۱. ایجاد شبکه فاضلاب، ایجاد شبکه دفع آب های سطحی

۲. تشکیل شورای حل اختلاف در محله

۳. اصلاح شبکه معابر

محله‌ی فاز یک زمین شهری: کاربری ها و خدمات (طبق سرانه استاندارد محلی): اماکن ورزشی، کابری بهداشتی و درمانی، پارک محله، فضای سبز، کتابخانه عمومی، نهاد اجتماعی محلی، علاوه بر این کاربری ها موارد زیر در اولویت بعدی قرار دارند.

۱. تأمین شبکه‌ی حمل و نقل عمومی به داخل محلات (اختصاص خط واحد اتوبوس به این محل)

۲. اصلاح شبکه معابر

۳. ایجاد شبکه دفع فاضلاب

۴. تشکیل شورای حل اختلاف

راه حل های مسائل و مشکلات اجتماعی – فرهنگی:

- تغییر در پیش فرض های ذهن مدیریت شهری و ترویج دیدگاه های نو از طریق تشکل های آموزشی
- ترویج مشارکت فعالانه و کمک به ارتقاء روحیهی مشارکت و همکاری از طریق جذب ساکنین در تشکل های محلی و غیر دولتی
- بالا بردن سطح فرهنگی بافت و تقویت ارزش های معنوی و جلوگیری از ارتکاب جرم توسط خود ساکنان محل
- تسریع مطالعات بافت فرسوده شهری و اجرای سریع تر آن
- تدوین قوانین و مقررات تشویقی، هدایتی و اجرایی متناسب با بافت فرسوده
- دادن وام و تسهیلات لازم جهت ایجاد اشتغال به دانش آموختگان این محلات
- پروژه شناسایی عوامل نارضایتی مردمان از ادارات و برنامه ریزی برای رفع یاکاهش آن
- برنامه ریزی اجتماعی به منظور شناسایی راهکارهای گذراندن اوقات فراغت جوانان، زنان و مردان

راه حل های مسائل و مشکلات کالبدی:

- جانمایی دقیق ساختمان های نوساز بر روی زمین های بایر و مخروبه
- ترغیب گروه های فعال به ساخت و سازهایی که مصالح و تکنیک های ساختمانی فراموش شده را به کار می برند
- ایجاد سیستم جمع آوری زباله
- تلفیق کاربری آموزشی با فرهنگی- ورزشی (می توان از ساعات غیر استفاده مانده فضای آموزشی جهت این گونه فعالیت ها استفاده کرد)
- احداث سیستم فاضلاب شهری

- شناسایی معابر و خیابان هایی که از پوشش مناسب آسفالت برخوردار نیستند و برنامه ریزی سریع برای اصلاح آن
- ارائه‌ی سیستم مناسب روشنایی عمومی در سطح معابر محلات
- سامان دهی پروژه های مردم مدار مانند آسفالت و زیرسازی کوچه‌های بن بست و حل معضلات آب های سطحی
- افزایش میزان دسترسی
- سامان دهی بافت با تاکید بر شناسایی ظرفیت های موجود و ایجاد ظرفیت های جدید
- اصلاح ساختار شبکه جلب مشارکت مردم ساکن و سازمان ها و نهادهای ذیربط به منظور بهسازی بافت و سیمای شهری
- تخصیص دفتری مستقل به امر توانمندسازی بافت های فرسوده شهری در دستگاه های اجرایی شهرستان
- سامان دهی ایجاد نهادها و کمیته فنی و نظارتی تحت نظارت ستاد توانمند سازی استان

منابع و مأخذ:

۱. آشنویی، ا. ۱۳۸۸. ساماندهی و توانمندسازی بافت قدیم شهر آران بیدگل. رساله کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه یزد، ۲۱۵ صفحه.
۲. ابراهیمی مجرد، م.، علی الحسابی، م. ۱۳۸۸. رویکرد مطلوب برخورد با بافت‌های فرسوده شهر تهران مطالعه موردی (محلّه شمیران نور). اولین همایش بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری، مشهد مقدس.
۳. اسکندری نوده، م. ۱۳۸۸. بررسی بنیان‌های نظری اسکان غیر رسمی در ایران با تأکید بر مدیریت شهری. طرح پژوهشی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، پژوهشکده توسعه، گروه مدیریت شهری، تهران.
۴. اطهاری، ک.، جواهری پور، م. ۱۳۸۲. حاشیه نشینی در ایران؛ علل و راه حل‌ها. مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی ایران، جلد چهارم، تهران.
۵. بیات رستمی، ر.ا.، و همکاران. ۱۳۸۹. توانمندسازی معابر و محلات شهری در برابر بزهکاری از طریق طراحی محیطی (cpted). دومین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، مشهد.
۶. رهنما، م.، ر.، عباس زاده، غ.ر. ۱۳۸۷. اصول مبانی و مدل سنجش فرم کالبد شهر. چاپ اول، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد. ۱۷۸ صفحه.
۷. پوراحمد، ا.، عبادی، ج. ۱۳۷۹. نقش اکولوژی اجتماعی در بافت قدیم شهر ری. فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، (۱۳۹): ۷۳-۸۶.
۸. حمیدی، س. ا. ۱۳۸۷. مطالعات ظرفیت سنجی بافت فرسوده شهر فیروزآباد. وزارت مسکن و شهرسازی، شرکت عمران و بهسازی شهری ایران، تهران.
۹. سجادی، ژ.، پورموسوی، س.م.، اسکندرپور، م. ۱۳۹۰. بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری با مشارکت مردمی (مطالعه موردی: محلّه دولاب تهران). فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط، ۴(۱۴): ۱۶۴-۱۴۳.
۱۰. شبیری، م.، شمسی، ز.، قربانی، ن. ۱۳۹۳. ارزیابی میزان آگاهی کارشناسان نوسازی بافت فرسوده از مسایل زیست محیطی، فصلنامه آمایش محیط، سال ۷، شماره ۲۴، بهار، ملایر، صص ۲۷-۴۰.
۱۱. سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور. ۱۳۸۳. قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، تهران.

۱۲. سلطان زاده، ح. ۱۳۶۵. مقدمه ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران. چاپ اول. نشر آبی. ۲۴۹ صفحه.
۱۳. شکویی، ح. ۱۳۸۷. دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری. چاپ یازدهم. انتشارات سمت. ۴۹۲ صفحه.
۱۴. شکویی، ح.، موسی کاظمی، س.م. ۱۳۸۴. مبانی جغرافیای شهری. چاپ اول. انتشارات دانشگاه پیام نور. ۱۶۳ صفحه.
۱۵. شرکت عمران و بهسازی شهری ایران. ۱۳۸۴. آیین نامه ستاد استانی توانمندسازی و سامان دهی سکونتگاه های غیررسمی. دبیرخانه ستاد ملی توانمندسازی و سامان دهی اسکان غیررسمی. تهران.
۱۶. صالحی، ا.، و دیگران. ۱۳۹۰. بررسی راهکارهای ارتقاء سرزندگی در بافت فرسوده (مطالعه موردی، مجله جولان همدان). مجله نقش پردازان شهر، ۱(۳): ۳۷-۴۸.
۱۷. صادقی، ی.ا.، نورمحمدی، م. ۱۳۸۹. راهکارای توانمندسازی جامعه محلی در راستای بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری، نمونه موردی (اسلام آباد، منطقه ۲ شهرداری تهران). اولین همایش بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری، مشهد.
۱۸. فلامکی، م.م. ۱۳۸۴. باززنده سازی بناها و شهرهای تاریخی. چاپ چهارم. انتشارات دانشگاه تهران. ۲۶۳ صفحه.
۱۹. کمانرودی، م. ۱۳۸۵. معیارهای فرسودگی شهری و برنامه های مداخله. فصلنامه اندیشه ایرانشهر، ۲(۱۰): ۲۹-۳۵.
۲۰. محمدی، ک.، رضویان، م.ت، صرافی، م. ۱۳۹۲. نقش دفاتر تسهیل گری در سرعت بخشی به شهرسازی مشارکتی در بافت های فرسوده شهری موردپژوهی: منطقه ۹ شهرداری تهران. فصلنامه برنامه ریزی منطقه ای، ۳(۱۱): ۴۳-۵۴.
۲۱. مهندس مشاور شاران. ۱۳۸۴. دفترچه راهنمای مداخله در بافت‌های فرسوده. وزارت مسکن و شهرسازی، شورای عالی شهرسازی و معماری. تهران. ۳۵۸ صفحه.
۲۲. مومنی، م.، بیک محمدی، ح.، حمیدزاده، ز. ۱۳۸۸. تحلیلی بر طرح‌های احیا و نوسازی بافت‌های فرسوده نمونه موردی (محلّه جویباره اصفهان). مجله مطالعات و پژوهش‌های شهری منطقه‌ای، ۲(۷): ۵۳-۶۸.
۲۳. هریسون، د. ۱۳۸۳. جامعه شناسی و نوسازی و توسعه. مترجم: علیرضا کلدی. چاپ اول. انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی، تهران. ۲۱۹ صفحه.

-
24. Burayidi, Michael A 2001. Keeping faith what we know about downtown revitalization in small urban centers', in the downtown ravitalizing centers of small communities, urayidi, michacl, newyork.
25. Sadan, E. 2006. Empowermentand Community Planning, Translated from Hebrew by Richard Flantz. Empowerment and Community Planning
26. Vosconcellos, M. AnaMria, V. 2009. Partnership, Empowerment and local development, Interacoes, Campo Grande, 133-134.